



Reflexivity the cultural identity of Lak immigrants; a reflection on the customs of mourning

Rahman Bagheri¹ | Dariush Rezapour² 1. Corresponding Author ,lecture, Faculty of Social Sciences, Payame noor University, Tehran, Iran. E-mail: r.ba94@pnu.ac.ir2. Associate Prof., Faculty of Social Sciences, Payame noor University, Tehran, Iran. E-mail: d.rezapour@pnu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2023-10-11

Received in revised form:
2023-11-29

Accepted: 2023-12-03

Published online: 2024-03-19

Keywords:

customs, mourning, Lak immigrants, cultural identity, Reflexivity

ABSTRACT

Purpose: Customs play a prominent role in ethnic identity; because ethnic identity is constructed, revealed and experienced in the context and context of everyday life. Patterns of migration and accompanying social and cultural displacement lead ethnic minority groups to find ways of cultural resettlement in new places. Dealing with the cultural identity status of immigrants by emphasizing the component of customs can help to understand the mechanisms of change in identity, the state of acculturation and identification, rethinking and reconstruction of identity. In this regard the aim of research is to study the cultural identity of Lak immigrants living in Namjo district of Tehran, emphasizing the component of mourning and mourning customs.

Methodology: This article is done with qualitative method. The studied community includes men and women of the Lak tribe who live in Namjo neighborhood of Tehran. The process of gathering information using the techniques of semi-structured and in-depth interviews continued until the saturation stage and finally reached 17 people who were selected using the snowball method. Thematic analysis method was used for data analysis.

Findings: The findings include 24 concepts and 6 main categories of "emphasis on the implementation of customs in the hometown", "limitation of the conditions of the new environment", "facilitation of participation", "compulsion of tradition", "strengthening solidarity" and "collectivism." From the perspective of the participants, the culture of their ethnic hometown is different from the culture of the host society. Due to being traditional, uniformity and cultural-ethnic similarity of the hometown, the challenge of identity or acculturation was not very important for them before migration and there were only small differences between the generation of parents and the generation of children in the field of choosing identity elements. In fact, with migration and change of location, they have faced ambiguities, doubts, questions and choices in the path of finding identity and belonging to the inherited culture or the culture of the host society. As social activists, they are forced to reflexivity and redefine the traditional components and sources of their identity in many situations.

Conclusion: The local customs and rituals of mourning and wedding as a cultural resource can play an important role in the identification and resettlement of Lak immigrants as a minority group of immigrants in the new environment and like a bridge in a symbolic way to and connect it to the hometown. In addition, reflexivity, commitment and adherence to the components of cultural identity are not the same among immigrants, and it is not possible to see an equal combination among people of the same generation or between two generations. Local-trans local identity is more dominant among the second generation than among the first generation. Although in many cases, the local cultural identity of the second generation may fade and they are not very interested in and adhere to some local customs and traditions, and they do not have much knowledge of Laki's identity; Despite this, they have the feeling of being Laki, and in general, Laki identity is a concept to which they have an emotional attachment.

Cite this article: Bagheri, R., & Rezapour, D. (2024). Reflexivity the cultural identity of Lak immigrants; a reflection on the customs of mourning. *Iranian Journal of Anthropological Research*, 13(25),53-71.

Doi: <http://10.22059/IJAR.2023.363570.459837>

© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://10.22059/IJAR.2023.363570.459837>

بازاندیشی هویت فرهنگی مهاجران لک؛ تأملی در آداب و رسوم سوگ و سور

رحمان باقری^۱ | داریوش رضاپور^۲۱. نویسنده مسئول؛ مربی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، رایانامه: r.ba94@pnu.ac.ir۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، رایانامه: d.rezapour@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف: آداب و رسوم نقش برجسته‌ای در هویت قومی ایفا می‌نماید؛ چون هویت قومی در بافت و زمینه‌ی زندگی روزمره بر ساخت، آشکار و تجربه می‌شود. الگوهای مهاجرت و جابجایی اجتماعی و فرهنگی همراه با آن، گروه‌های اقلیت قومی را به سمت پیدا کردن شیوه‌هایی برای بازجایابی فرهنگی در مکان‌های جدید سوق می‌دهد. پرداختن به وضعیت هویت فرهنگی مهاجران با تأکید بر مؤلفه‌ی آداب و رسوم، می‌تواند به فهم مکانیسم‌های تغییر در هویت، وضعیت فرهنگ‌پذیری و هویت‌یابی، بازاندیشی و بازسازی هویت کمک نماید. در این راستا هدف پژوهش حاضر، مطالعه وضعیت هویت فرهنگی مهاجران لک ساکن محله‌ی نامجو تهران با تأکید بر مؤلفه‌ی آداب و رسوم سوگ و سور است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱	روش شناسی: نوشتار حاضر با روش کیفی انجام شده است. جامعه مورد مطالعه شامل زنان و مردان قوم لک است که در محله‌ی نامجو تهران سکونت دارند. فرایند گردآوری اطلاعات با بهره‌گیری از فنون مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته و عمیق تا مرحله اشباع ادامه یافت و در نهایت به ۱۷ نفر رسید که با استفاده از روش گلوله برفی انتخاب شدند. برای تحلیل مصاحبه‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۱۴	یافته‌ها: یافته‌های پژوهش که حاصل از استخراج مصاحبه‌هاست، شامل ۲۴ مفهوم و ۶ مقوله‌ی اصلی «تأکید بر اجرای رسوم در زادگاه»، «محدودیت شرایط محیط جدید»، «تسهیل مشارکت»، «اجبار سنت»، «تقویت همبستگی» و «جمع‌گرایی» است. از دید مشارکت‌کنندگان، فرهنگ زادگاه قومی آنان با فرهنگ جامعه میزبان متفاوت است. با توجه به سنتی بودن، یکسانی و همانندی فرهنگی-قومی زادگاه، چالش هویتی و یا فرهنگ‌پذیری برای آنان پیش از مهاجرت چندان مطرح نبوده است و صرفاً تفاوت‌های اندکی بین نسل والدین و نسل فرزندان در زمینه انتخاب عناصر هویتی وجود داشته است. در واقع، با مهاجرت و تغییر مکان ایهامات، تردیدها، پرسش‌ها و انتخاب‌هایی در مسیر هویت-یابی و تعلق به فرهنگ موروثی و یا فرهنگ جامعه میزبان برای آنان پیش آمده است. آنان به‌عنوان کنشگران اجتماعی در موقعیت‌های متعددی ناچار به بازاندیشی و بازتعریف مؤلفه‌ها و منابع سنتی هویت‌ساز خویش‌اند.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷	نتیجه‌گیری: می‌توان گفت رسوم و آیین‌های محلی سوگ و سور به‌عنوان یک منبع فرهنگی می‌تواند هویت‌یابی و جای‌گیری مجدد مهاجرین لک به‌عنوان گروه اقلیت مهاجر در محیط جدید نقش مهمی ایفا کند و مانند پلی به شکلی نمادین مهاجرین را به هم و به زادگاه مرتبط سازد. علاوه بر این، بازاندیشی، تعهد و پایبندی به مؤلفه‌های هویت فرهنگی در بین مهاجرین یکسان نیست و نمی‌توان نوعی ترکیب برابر را در میان افراد یک نسل یا بین دو نسل مشاهده کرد. هویت محلی-فرامحلی در میان نسل دوم غالب است تا در میان نسل اول. با اینکه در موارد متعددی ممکن است هویت فرهنگی محلی نسل دوم کمرنگ شود و چندان علاقه‌مند و پایبند به بعضی رسوم و سنن محلی نباشند و آگاهی چندان از هویت لکی نداشته باشند؛ با وجود این، احساس لک‌بودن را دارند و در مجموع، هویت لکی مفهومی است که به آن تعلق و دلبستگی عاطفی دارند.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰	
کلیدواژه‌ها: آداب و رسوم، بازاندیشی، سوگ و سور، مهاجران لک، هویت فرهنگی	

استناد: باقری، رحمان. و رضاپور، داریوش. (۱۴۰۲). بازاندیشی هویت فرهنگی مهاجران لک؛ تأملی در آداب و رسوم سوگ و سور، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۳

(۲۵)، ۷۱-۵۳. <http://10.22059/IJAR.2023.363570.459837> Doi:

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.



DOI: <http://10.22059/IJAR.2023.363570.459837>

مقدمه

هویت^۱، منشأ معنا و تجربه برای مردم است. هویت به درک و تلقی افراد از این که چه کسی هستند و چه چیزی برای شان معنی دار است گفته می‌شود. این درک و تلقی‌ها در ارتباط با ویژگی‌های مشخصی شکل می‌گیرند که بر منابع معنایی دیگر تقدم دارند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۴۵). فرایند معناسازی و هویت‌یابی، بر مبنای یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ی به‌هم‌پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی صورت می‌گیرد، که به لحاظ اجتماعی، تاریخی و فرهنگی متفاوت‌اند (رفعت‌جاه، ۱۳۸۳: ۳). لذا، هویت فرایندی همیشه جاری است و هیچ نقطه پایانی برای کامل‌شدن هویت‌یابی وجود ندارد (هال^۲، ۱۹۹۶: ۲).

جامعه‌ی ایران، جامعه‌ای در حال توسعه یا گذار است که در آن با تضعیف نظام‌ها و شکل‌بندی‌های سنتی مانند اجتماعات روستایی و فرایندهای گسترش شهرنشینی، تحرکات جغرافیایی، جمعیتی و اجتماعی و افزایش روند ارتباطات بین فرهنگ‌ها و اقوام مختلف، افراد در برابر الگوهای متنوع و بعضاً متعارضی قرار می‌گیرند. این فرایند می‌تواند جنبه‌ها، مبانی و منابع هویتی اجتماعی گروه‌های مهاجران را تضعیف یا تقویت کند. هویت فرهنگی یکی از این جنبه‌های مهم هویت جمعی است. هویت فرهنگی متشکل از اجزاء و ابزارهای فرهنگی‌ای است که نه تنها وسیله‌ای برای نشانه‌گذاری تمایز قومی، بلکه جنبه‌های معنادار فرهنگی برای درون-گروه و برای بیگانه‌ها نیز به‌شمار می‌روند (ورکاتن^۳، ۲۰۰۵: ۷۹). آداب و رسوم نقش برجسته‌ای در هویت قومی ایفا می‌نماید چون هویت قومی در بافت و زمینه‌ی زندگی روزمره بر ساخت، آشکار و تجربه می‌شود. الگوهای مهاجرت و جابجایی اجتماعی و فرهنگی همراه با آن، گروه‌های اقلیت قومی را به سمت پیدا کردن شیوه‌هایی برای بازجایی فرهنگی در مکان‌های جدید سوق می‌دهد. آیین‌ها و رسوم منبع فرهنگی مهمی برای این امر بوده و هست (باقری و غفاری‌نسب، ۱۳۹۹: ۱۶۵).

مهاجران لک، یکی از گروه‌های قومی هستند که طی دهه‌های اخیر عمدتاً از مناطق روستایی شهرستان کوه‌دشت لرستان به مناطقی از شهر تهران مهاجرت کرده‌اند. مهاجرت فقط یک جابجایی مکانی نیست در واقع، مهاجرین لک (به‌ویژه نسل اول) ممکن است بخشی از منابع هویت‌بخش فرهنگی مانند زبان، آداب، رسوم و ... را نیز با خود به همراه آورند و از بعضی منابع سنتی نیز دور شوند. همچنین این امکان نیز وجود دارد که مهاجرین تجربه‌ی زیسته یا آشنایی کافی از زندگی در نظام فرهنگی محیط جدید نداشته باشند. با توجه به این که تهران شهری است با تنوع قومی و فرهنگی که احتمالاً با تجارب و هویت پیشین مهاجران هم‌خوانی بالایی ندارد؛ لذا مهاجرین به عنوان کنشگران اجتماعی برای برقراری پیوندهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره در آن، ناچارند که شیوه‌ها و جلوه‌های دیگری از زندگی را در پیش بگیرند و ان امر ممکن است آنان را به بازاندیشی و بازسازی مؤلفه‌های فرهنگی هویت‌ساز از جمله آداب و رسوم سوق دهد. از آنجاکه طی مدت مهاجرت لک‌ها به تهران، پژوهشی از این دیدگاه درباره‌ی آنان انجام نگرفته است؛ پرداختن به وضعیت هویت فرهنگی مهاجران با تأکید بر مؤلفه‌ی آداب و رسوم، می‌تواند به فهم مکانیسم‌های تغییر در هویت، وضعیت فرهنگ‌پذیری و هویت‌یابی، بازاندیشی و بازسازی هویت کمک نماید. در این نوشتار کوشش شده با رویکردی کیفی ضمن پرداختن به وضعیت مؤلفه‌ی هویت‌ساز آداب و رسوم به موازات اهمیت آن در شکل‌گیری و دگرگونی هویت فرهنگی مهاجران لک ساکن محله نامجو، به این پرسش‌ها پاسخ داده شود اگر پابندی به آداب و رسوم به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هویت‌بخش دستخوش بازاندیشی و تغییر شده، زمینه‌ها و بسترهای فراهم‌کننده این تغییر کدام‌اند؟ با توجه به متفاوت بودن مکان جامعه‌پذیری نسل اول و دوم مهاجرین، آنان آداب و رسوم قومی خود را چگونه درک و تفسیر می‌کنند؟ آیا بین افراد هر نسل و نیز بین زنان و

1 identity

2 Hall

3 Verkuuyten

مردان به‌عنوان کنشگران اجتماعی، در هویت‌یابی از طریق مؤلفه‌ی پایبندی به آداب و رسوم تفاوت وجود دارد؟

مبانی نظری

هویت یکی از مفاهیم اصلی تفکر اجتماعی است. از دید کاستلز^۱ هویت مفهومی است که جهان درونی یا فردی را با قلمرو جمعی اشکال فرهنگی و روابط و مناسبات اجتماعی پیوند زده و ترکیب می‌کند (کاستلز، ۱۳۸۴: ۲۳-۲۲). متفکران حوزه‌ی هویت غالباً از دو نوع هویت اجتماعی یا جمعی^۲ و هویت فردی^۳ سخن می‌گویند. ریچارد جنکینز^۴ هویت را شرط لازم هرگونه زندگی اجتماعی می‌داند، او معتقد است در نبود چارچوب‌های معین و آشکارکننده همانندی‌ها و اختلافات، امکان برقراری ارتباطی معنادار و بادوام برای افراد یک جامعه، فراهم نمی‌شود (جنکینز، ۱۳۸۱: ۶). جنکینز معتقد است هویت اجتماعی دست‌آوردی عملی، یعنی یک فرآیند است که می‌توان آن را با به‌کارگیری کنش متقابل درونی و برونی فهم کرد. از دیدگاه جنکینز، گروه خویشاوندی منبعی آشکار برای هویت کنشگر اجتماعی محسوب می‌شود که استحکام زیادی دارد. علاوه بر این، زمان و مکان هم به‌مثابه خاستگاه و منابع برساختن هویت در فضای اجتماع از اهمیت محوری برخوردار می‌باشند، زیرا شناختن یک چیز به بدان معناست که آن‌ها را در زمان و مکان جای دهیم (همان، ۱۳۸۱: ۴۴-۳۶). جنکینز فرایند هویت‌مندی را بر اساس دیالکتیک درونی-بیرونی تحلیل می‌کند که فرآیندی بازاندیشانه است. الگوی دیالکتیک درونی-بیرونی، ما را به این نتیجه رهنمود می‌سازد که آنچه دیگران در مورد ما فکر می‌کنند، به-اندازه‌ی آنچه که ما در مورد خودمان فکر می‌کنیم مهم است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۳). هویت، معطوف است به بازشناسی مرز میان خودی و بیگانه که از طریق همگونی‌های اجتماعی و انفکاک درون‌گروه از برون‌گروه‌ها ممکن می‌شود. از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی، گروه‌های قومی هستند که مانند دیگر گروه‌های اجتماعی با رجوع به دیالکتیک درونی-بیرونی به‌طور مداوم به شناسایی خود و هویت‌یابی اقدام می‌کنند ضمن اینکه توسط دیگران هم شناخته می‌شوند (محمدپور و حسن‌پور، ۱۳۹۱).

تاجفل^۵ «هویت اجتماعی» را با «عضویت گروهی» پیوند می‌زند و عضویت گروه را متشکل از سه عنصر می‌داند: (۱) عنصر شناختی: دانش و اطلاع فرد از تعلق خود به یک گروه؛ (۲) عنصر ارزشی: فرض‌هایی درباره‌ی پیامدهای ارزشی مثبت یا منفی عضویت گروهی؛ و (۳) عنصر احساسی: احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه‌ای خاص با آن گروه دارند (تاجفل، ۱۹۷۸، ۷۶). مجموع این عناصر (شناختی، ارزشی و احساسی) به شکل‌گیری یک مقوله‌بندی از عضویت گروهی منجر می‌شود. به این ترتیب، هویت اجتماعی برای تاجفل، آن بخش از برداشت یک شخص از خود است که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه/گروه‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد، همراه با اهمیت ارزشی و احساسی منضم به آن عضویت (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۳).

هویت فرهنگی یکی از انواع هویت جمعی است و آن درایتی از خویشتن است که از عضویت رسمی و غیررسمی در یک گروه اجتماعی بر اساس انتقال و پرورش دانش، باورها، نگرش‌ها، سنت‌ها، ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی مشخص و مشترک بین اعضا مشتق می‌شود (جانسون^۶، ۲۰۰۷: ۳۵۲ و متیوز^۷، ۲۰۰۲). شکل‌گیری هویت فرهنگی محلی توسط شاخص‌هایی مثل مشارکت در آیین‌های مذهبی، پایبندی به زبان، گذران اوقات فراغت منطبق با فرهنگ بومی، انجام آداب و رسوم سنتی، میراث فرهنگی و تدارک

1 Castells

2 Social or collective identity

3 Self-identity

4 Richard Jenkins

5 Tajfel

6 Janeson

7 Mathews

مراسم ازدواج و ... انجام می‌شود. این مشخصه‌های فرهنگی نه تنها وسیله‌ای برای نشانه‌گذاری تمایز قومی، بلکه جنبه‌های معنادار فرهنگی برای درون‌گروه و برای بیگانه‌ها نیز به‌شمار می‌روند (ورکاتن، ۲۰۰۵: ۷۹). اگرچه تحرک جهانی در دنیای امروز، واقعیت زندگی بسیاری از مردم شده است اما ابعادی از امر محلی همچنان در شیوه‌های برساختن زندگی روزمره و تعاملات نمادین با زندگی روزمره سرچشمه‌های عمیقی دارند (بنِت^۱، ۱۳۹۳: ۱۰۸ و ۱۰۹). در واقع، احساس و قریحه محلی‌گرایی یکی از آشکال با اهمیت تعریف عمل برای افرادی است که بایستی راهی برای تطبیق یا کنار آمدن با فرهنگ روزمره، آداب و رسوم و رویه کلی محیط اجتماعی جدید جستجو کنند (کالابرس^۲: ۲۰۰۰). این تعریف عمل به شیوه‌های گوناگونی صورت می‌گیرد. پایبندی و اجرای رسوم مرتبط با زادگاه مادری یکی از این اشکال است که به‌مثابه یکی از وسایلی است که به کمک آن افراد و به‌ویژه مهاجران پیرامون جایگاه خود در زندگی روزمره هویت خود را بر ساخته می‌کنند.

برای بسیاری از مردم قومیت محور هویت فردی و اجتماعی است. مفهوم هویت قومی می‌تواند به‌عنوان جنبه‌ی مرکزی فرهنگ‌پذیری^۳ در نظر گرفته شود (هاتنیک^۴، ۱۹۹۱). گروه‌ها و اقلیت‌های قومی دریافت‌کنندگان منفعل هویت‌های تحمیلی نیستند، چگونگی عمل آنان بازتابی است از اینکه چگونه توسط دیگران طبقه‌بندی می‌شوند (حاکینگ^۵، ۱۹۹۹). برخلاف فرض‌های پیشین درباره نظریه مدرنیزاسیون - که مدرنیته مستلزم انحلال جوامع و سنت‌های قومی و تولید همگن‌تر، فرهنگ فردگرا و عقلانی بود، اکثر افراد وقتی که به جوامع جدید مهاجرت کردند و یا حتی زمانی که همچنان در جوامع خودشان که با صنعتی‌شدن، شهرنشینی و آموزش جمعی دگرگون شده بودند، باقی ماندند؛ به‌سادگی احساس هویت قومی و تعلق خود را از دست ندادند. حتی در جایی که سنت‌ها و زبان‌ها را رها می‌کردند، افراد حس هویت‌یابی با گروه قومی را حفظ کردند؛ پدیده‌ای که گانس^۶ (۱۹۷۹) «قومیت نمادین»^۷ نامیده است. فردریک بارت^۸ (۱۹۶۹ نقل از موران^۹، ۲۰۱۱: ۱۷۳) نیز توجه را از محتویات و مضامین فرهنگی گروه‌های قومی به سمت توجه به مرکزیت مرزهای نگهداری و هویت‌یابی با درون‌گروه‌ها و کنترل روابط با برون‌گروه‌ها هدایت کرده است. گروه‌های قومی ممکن است در تعدادی از جنبه‌های فرهنگی مشابه دیگر گروه‌های قومی باشند، اما به‌طور انتخابی با تأکید و برجسته‌سازی ویژگی‌های فرهنگی کوچک به‌عنوان «نمادها و نشانه‌های تفاوت»، خود را متمایز می‌کنند (بارت، ۱۹۹۸: ۱۴).

سنت‌ها و آداب و رسوم یک گروه قومی، اغلب از طریق خانواده‌های و اعضای آن گروه قومی منتقل می‌شود. اگرچه قومیت برمبنای سنت زنده می‌ماند، اما ساکن و بدون تغییر نیست. برعکس، قومیت یک پدیده زنده، سیال و قابل‌انعطاف با شرایط و احوال دگرگون‌شونده است. از نظر گیدنز (۱۹۹۱، ۵۲-۵۱) ما می‌توانیم به‌صورت فزاینده‌ای ماهیت هویت‌های خودمان را از طریق انتخاب‌های آگاهانه تعیین کنیم وی از این فرایند با عنوان «بازاندیشی»^{۱۰} نام می‌برد. از دید شافی^{۱۱} (۲۰۱۲، ۱۰۰) بازاندیشی، هسته‌ی هویت فردی و اجتماعی است؛ فرآیندی محرک است که در برساخت و نگهداری هویت نقشی اساسی ایفا می‌کند. بر این اساس و بر مبنای دیدگاه گیدنز، اگر مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ را یکی از نمودها و تجارب مدرن در نظر بگیریم، این

1 Benet
2 Calabrese
3 Acculturation
4 Hutnik
5 Hacking
6 Gans
7 Symbolic ethnicity
8 Fredrik Barth
9 Moran
10 Reflexivity
11 Chaffee

فرایند می‌تواند بر جنبه‌های گوناگون زندگی فردی و جمعی مهاجران اثر بگذارد. آن‌ها ممکن است هویت خویش را در هر دو سطح فردی و جمعی بازتعریف کنند. از نظر گیدنز (۱۳۸۶: ۳۷۳ و ۹۸۶) یک شیوه اساسی برای ادغام قومی، همانند شدن^۱ است به این معنا که مهاجرانی که وارد یک جامعه معین می‌شوند دست از آداب و رسوم و کردوکارهای اولیه خود بردارند و رفتار خود را براساس ارزش‌ها و هنجارهای اکثریت شکل دهند. در این زمینه، بیچنر (۲۰۱۳)، بری (۱۹۹۷)، فینی و همکاران (۲۰۰۱) و هاتنیک (۱۹۹۱) در آثار خود به چهار راهبرد فرهنگ‌پذیری اشاره کرده‌اند: همگون‌سازی (هویت‌یابی با گروه اکثریت)، جداسازی^۲ (هویت‌یابی با گروه خود)، یکپارچه‌سازی^۳ (هویت‌یابی با هر دو گروه) و حاشیه‌ای‌شدن^۴ (رد هر دو فرهنگ). نوع استراتژی‌هایی که مهاجران یک قوم برای فرهنگ‌پذیری در محیط جدید در پیش می‌گیرند در چگونگی ارتباط فرد مهاجر با فرهنگ و رسوم آن جامعه و نیز در بازاندیشی، بازتعریف و بازسازی هویت نقش دارد.

پیشینه‌ی پژوهش

باقری و غفاری‌نسب (۱۴۰۰) نشان داده‌اند که تعلق و پایبندی، بازاندیشی و بازتعریف زبان مادری در بین مهاجرین یکسان نیست. شرایط متفاوت جامعه‌پذیری نقش مهمی در آن دارد به این صورت که جامعه‌ی میزبان بخش مهمی از فرهنگ‌پذیری و هویت‌یابی را به‌عهده‌ی فرد گذاشته است و این موضوع، نه‌تنها تفاوت‌های فردی، بلکه تفاوت‌های نسلی را در شکل‌دهی به هویت برجسته می‌سازد. همچنین، باقری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی نشان داده‌اند که بر حسب عامل جنس و نسل، هویت‌یابی از طریق زبان در بین مهاجرین قوم لک ساکن تهران متفاوت است. محمدی (۱۳۹۵) نشان داده که هویت کردهای ایرانی ساکن آلمان در دو سطح فرهنگی و ملی، به‌علت پیوند با هم‌میهنان، دسته‌ها و شبکه‌های تشکیل‌شده از هم‌کیشان، چندان بازاندیشی و دگرگون نشده؛ ولی بازاندیشی در سطوح هویت شخصی و هویت جنسیتی عمیق‌تر و وسیع‌تر صورت گرفته است. نوروزی (۱۳۹۴) در پژوهشی با هدف تبیین و شناخت مولفه‌های هویت فرهنگی قوم ترکمن با استناد به مطالعات کتابخانه‌ای و به روش توصیفی و با رویکردی انسان‌شناختی نشان داد هویت فرهنگی قوم ترکمن نیز همانند سایر اقوام مسلمان ایران، در جهت گسترش و غنای فرهنگ و هویت ایرانی - اسلامی بوده است. همچنین مولفه آداب و رسوم نقش برجسته‌ای در پایبندی و تداوم هویت قومی فرهنگی ترکمن‌ها دارد. نساج (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «جهانی‌شدن و هویت اقوام ایرانی با تاکید بر مولفه‌های زبان و آداب و رسوم»، نشان داده که جهانی‌شدن در نهایت به همانندسازی خرده‌فرهنگ‌ها در فرهنگ مسلط منجر خواهد شد؛ این فرایند همانندسازی با فراز و فرود همراه خواهد بود. فرهنگ‌های دارای ویژگی‌های ذیل در فرهنگ مسلط ادغام نمی‌شوند: قدرت و حمایت دولتی، وجود میراث غنی مکتوب، پیوستگی با مذهب، عدم انحصار به یک کشور خاص، وجود پتانسیل‌های جهانی. فرهنگ و زبان خاص هریک از اقوام ایرانی - به جز زبان فارسی - این مؤلفه‌ها را ندارند یا در آن ضعیف هستند. افول زبان و آداب و رسوم اقوام، لزوماً به معنای اضمحلال هویت قومی نیست و افراد آن قوم می‌توانند تعاریف جدیدی از هویت قومی خویش بیان کنند. هولوباس^۵ (۲۰۲۲) در تحقیقی با عنوان «خودادراکی از طریق آداب و رسوم در میان مهاجران رومانیایی» نقش میراث فرهنگی در زندگی مهاجران رومانیایی را بررسی کرده است. مهاجران اغلب ژست‌های آیینی یا جادویی را انجام می‌دهند بدون اینکه حتی از آشنایی با آنها آگاه

1 Assimilation

2 Separation

3 integration

4 marginalization

5 Hulubaş

باشند. مهاجران از طریق آداب و رسوم با گروه قومی خود آمیختگی هویتی را تجربه می‌کنند. آداب و رسوم جامعه را بیشتر از سایر مشغله‌های رایج مانند کسب درآمد یا کسب موقعیت اجتماعی در کنار هم نگه می‌دارد. با این حال، فرزندان مهاجران به دلیل عدم بهره‌مندی از آموزش و جامعه‌پذیری سنتی در سرزمین مادری خود، به شیوه‌ای مشابه والدین‌شان به اجتماعات آیینی پاسخ نمی‌دهند. اقلیت‌های مهاجر تمایل دارند نمادهای قومی را از عناصری ایجاد کنند که آنها را به یاد زادگاه مادری می‌اندازد. شرابی^۱ (۲۰۱۹) پژوهشی با عنوان «حفظ مرزهای سنت قومی مهاجران از طریق یک نظام آیینی»، با تأکید بر آیین عروسی گرجستانی‌ها انجام داده و بر آن بوده تا نحوه جابجایی و بازتعریف هویت قومی آنان را در جامعه میزبان بررسی کند. این تحقیق نشان داده که روند همگرایی^۲ در آیین‌های عروسی مهاجران گرجستانی از دهه ۱۹۹۰ تشدید شده به طوری که شاهد تنوع آیینی هستیم که انتخاب‌های مهاجران و ترکیب‌های مدرن متعدد را نشان می‌دهد. همچنین، شرابی^۳ (۲۰۱۷) در پژوهشی مردم‌شناسانه درباره‌ی اهمیت مراسم پیش از ازدواج به‌عنوان مراسم تعریف قومی در میان مهاجران گرجستانی، معتقدند که عروسی رویدادی است که در آن گروهی از مردم با خود و درباره‌ی خود صحبت می‌کنند. تصاویری از ساختار اجتماعی و محتوای فرهنگی، زوجیت، خانواده و هویت فردی و گروهی از طریق این کنش فرهنگی نمایان می‌شود. بنابراین، عروسی‌ها و آداب و رسوم آن‌ها پنجره‌ای را تشکیل می‌دهند که از طریق آن می‌توان ارزش‌های اجتماعی یک گروه را مشاهده کرد، چه یک جامعه مدرن و چه سنتی. این آیین‌ها به‌عنوان مراسم تعریف قومی جمعی برای مهاجران عمل می‌کند، جایی که تلاقی بین قومیت، فرهنگ و هویت صورت می‌گیرد. گریسارو^۴ و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان «آداب و آیین‌های سوگ و سوگواری در میان مهاجران اتیوپیایی به اسرائیل» دگرگونی اجتماعی مربوط به مرگ، آداب و رسوم عزاداری و آیین‌های تجربه‌شده مهاجران یهودی اتیوپی را مورد بحث قرار داده و نشان داده‌اند که آداب و رسوم عزاداری که توسط جامعه یهودی در اتیوپی انجام می‌شود، در مقایسه با آداب و رسومی مهاجران اتیوپیایی در اسرائیل، غالباً به شکلی متفاوت برگزار می‌گردد و گاه نمونه‌ای از عدم حساسیت فرهنگی است. ایباگ و کری^۵ (۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان «خویشاوندان ساختگی^۶ به‌عنوان سرمایه اجتماعی در جوامع جدید مهاجر»، معتقدند که خویشاوندان ساختگی، که به‌مثابه روابط خانوادگی تعریف می‌شوند، نه بر اساس خون یا ازدواج، بلکه بر اساس آیین‌های مذهبی یا پیوندهای دوستانه نزدیک، نوعی سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند که بسیاری از گروه‌های مهاجر با خود می‌آورند و ادغام آنان را در جامعه میزبان تسهیل می‌کند. سیستم‌های خویشاوندی ساختگی بخش مهمی از شبکه‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند که مهاجران را به یک مکان خاص می‌کشاند و حمایت مادی و اجتماعی را برای آنان فراهم می‌کند که آنان را قادر می‌سازد تا در یک جامعه جدید و اغلب متخاصم ادغام شوند.

مروری بر تحقیقات انجام‌شده حاکی از آن است که دسته‌ای از این مطالعات، هویت مهاجران ساکن خارج از کشور را مطالعه کرده‌اند نه مهاجران داخلی. جامعه مورد مطالعه‌ی بیشتر آنها، نه گروه قومی مهاجر که نخبگان، دانشجویان و متخصصان بوده است. بعضی از مطالعات اخیر، ارتباط بین بازاندیشی در هویت و گرایش به مهاجرت را بررسی نموده‌اند. همچنین تعدادی از پژوهش‌ها آداب و رسوم را در معنای کلی آن بررسی کرده‌اند. در مجموع، هر کدام از پژوهش‌های مورد اشاره در بالا از زاویه‌ای خاص به مطالعه هویت پرداخته‌اند و تحقیقات چندانی با رویکرد کیفی درباره‌ی بازاندیشی هویت فرهنگی مهاجرین یک گروه قومی خاص - با تأکید بر آداب و رسوم سوگ و سو - پس از مهاجرت داخلی انجام نگرفته است.

1 Sharaby

2 Syncretism

3 Sharaby

4 Nimrod Grisaru

5 Ebaugh, H. R., & Curry

6 Fictive Kin

روش‌شناسی

نوشتار حاضر با روش کیفی انجام شده است. با توجه به ماهیت موضوع تحقیق حاضر، برای فهم پدیده‌ای همچون هویت یک گروه قومی خاص می‌بایست ضمن توجه به بستر و شرایط اجتماعی-فرهنگی اعضای آن محیط، ذهنیت و نظام معانی ذهنی افراد را نیز بررسی نمود. بدین منظور، محقق نیاز به شیوه‌هایی (انجام مصاحبه‌های عمیق) برای کشف و درک پیچیدگی تجربیات و چگونگی تفسیر آن‌ها توسط افراد دارد. روش‌های کیفی، به دنبال کشف این پیچیدگی‌ها هستند. جامعه مورد مطالعه شامل زنان و مردان قوم لک است که در محله‌ی نامجو (گرگان) تهران سکونت دارند. فرایند گردآوری اطلاعات با بهره‌گیری از فنون مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته^۱ و عمیق^۲ تا مرحله اشباع^۳ ادامه یافت و در نهایت به ۱۷ نفر رسید که با استفاده از روش گلوله برفی انتخاب شدند. میانگین زمانی انجام هر مصاحبه حدود ۵۰ دقیقه بود. بر مبنای ملاحظات اخلاقی، مشارکت‌کنندگان در جریان موضوع و هدف تحقیق، روند کار و ضبط صحبت‌هایشان و خودداری از انجام آن، احتمال مصاحبه مجدد و نیز تضمین حفظ هویت آنان قرار گرفتند. برای تحلیل اطلاعات از روش تحلیل مضمون^۴ استفاده شد.

پس از مرور ادبیات نظری و تجربی و انجام مصاحبه مقدماتی با سه نفر از مهاجرین، چند مفهوم و محور اولیه‌ی پرسش‌های پژوهش آشکار گشته و در روند مصاحبه‌ها دنبال شدند. مصاحبه‌ها با پرسش‌های باز عمومی آغاز شده و با طرح سؤالات مشخص و تکمیلی جهت تشویق و دستیابی به توضیحات بیشتر ادامه می‌یافت. پس از انجام هر مصاحبه، عملیات طبقه‌بندی و تنظیم داده‌ها آغاز می‌شد. در اولین قدم فایل‌های صوتی روی کاغذ پیاده و ثبت می‌شدند مصاحبه‌های پیاده می‌شدند. پس از انجام هر مصاحبه، چندین بار توسط محقق با دقت خوانده می‌شد و چند و چون مصاحبه‌ی بعدی هم مشخص می‌شد. این کار موجب دستیابی به نمایی کلی از داده‌ها و متن مصاحبه می‌شد. متن مصاحبه‌ها کلمه به کلمه، خط به خط، عبارت به عبارت و پاراگراف با پاراگراف بررسی و به هر جمله یا کلمه کلیدی یک کد یا مفهوم الصاق می‌شد. در واقع، حاصل این مرحله مفهوم‌سازی یا مفهوم‌پردازی بود. طی این کار، محقق سعی می‌نمود ضمن بهره‌گیری از مفاهیم موجود در ادبیات تحقیق، از واژه‌ها و مفاهیمی استفاده کند که معانی کنش‌ها و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان حفظ گردد و این کد یا مفهوم الصاق شده بتواند حداکثر فضای مفهومی آن را پوشش دهد. در مرحله‌ی بعد، کدهای اولیه مشابه در یک طبقه یا مقوله جای داده شدند و مفاهیم به مقولات تبدیل شدند (مقوله‌پردازی). سپس این مقوله‌ها توضیح داده و تفسیر شدند. بدین ترتیب، پس از آنکه مؤلف اول، داده‌ها را کدگذاری و طبقه‌بندی می‌کرد میزان اتفاق نظر میان مؤلفان در مورد کدها و طبقات بررسی می‌شد و سرانجام، آنان چندین بار نوشته‌ها و دسته‌بندی‌ها را برای اصلاح و اطمینان از صحت مفاهیم و مقولات شناسایی‌شده بررسی کرده و اتفاق نظر میان آنها در سطح بالایی بود (استفاده از تکنیک ممیزی)^۵. در واقع، درگیری مداوم محقق با میدان مطالعه و مشارکت‌کنندگان تأییدکننده اعتبار تحقیق و همچنین، تأیید مفاهیم و مقولات به‌دست‌آمده از متن مصاحبه‌ها از سوی سه نفر از مشارکت‌کنندگان (کنترل یا اعتباریابی از طریق اعضا)^۶ نشان‌دهنده‌ی تأییدپذیری داده‌ها و نتایج

1 Semi structured interview

2 in-depth Interview

3 Saturation

۴ در تحلیل مضمون (Thematic)، مقوله‌ها از طریق مطالعه‌ی دقیق داده‌ها شناسایی می‌شوند. این فرایند شامل رفت و برگشت مداوم بین مجموعه‌ی داده‌ها، مفاهیم، مقوله‌ها و تجزیه و تحلیل آنهاست.

5 Auditing

6 Member Checking

تحقیق بوده است. به منظور ارائه تصویر ذهنی کامل تر از مشارکت کنندگان، خلاصه‌ای از مشخصات زمینه‌ای و کلی آنان در زیر ارائه شده است.

جدول ۱ - مشخصات جمعیت‌شناختی شرکت کنندگان در پژوهش

کد مشارکت - کننده	جنس	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	تعداد فرزند	وضعیت اشتغال	سابقه سکونت در تهران (سال)
۱	زن	۴۶	دیپلم	متأهل	۳	خانه‌دار	۲۲
۲	مرد	۵۳	چهارم ابتدایی	متأهل	۳	کار در باربری	۲۲
۳	زن	۴۹	دیپلم	متأهل	۲	خانه‌دار	۲۵
۴	مرد	۱۶	دوم دبیرستان	مجرد	-	دانش‌آموز	۱۶
۵	مرد	۴۳	لیسانس	متأهل	۱	راننده آژانس و کار در باربری	۱۵
۶	مرد	۵۰	دیپلم	متأهل	۳	کار در باربری	۲۸
۷	زن	۴۲	دوم دبیرستان	متأهل	۳	خانه‌دار	۱۹
۸	مرد	۳۳	سوم راهنمایی	مجرد	-	کار در باربری	۱۷
۹	مرد	۲۷	فوق لیسانس	متأهل	-	مسافرکشی و تدریس خصوصی	۶
۱۰	زن	۲۵	فوق دیپلم	متأهل	-	کار در شرکت	۶
۱۱	مرد	۴۵	دیپلم	متأهل	۲	کار در باربری	۲۴
۱۲	زن	۳۴	فوق لیسانس	متأهل	۱	خانه‌دار	۹
۱۳	زن	۴۲	سوم دبیرستان	متأهل	۲	خانه‌دار	۱۹
۱۴	زن	۳۸	دیپلم	متأهل	۱	خانه‌دار	۱۷
۱۵	مرد	۴۳	دیپلم	متأهل	۱	کار در باربری	۲۱
۱۶	مرد	۱۴	سوم راهنمایی	مجرد	-	دانش‌آموز	۱۴
۱۷	زن	۱۹	دیپلم	مجرد	-	بیکار	۱۳

یافته‌ها

نوشتار حاضر با هدف تحلیل انسان‌شناختی هویت فرهنگی مهاجران لکِ مقیم تهران با تأکید بر مؤلفه‌ی آداب و رسوم سوگ و سو انجام شده است. در فرایند تحلیل و کدگذاری داده‌ها، ۲۴ مفهوم استخراج شد که در قالب ۶ مقوله دسته‌بندی شدند. جدول شماره ۲، مفاهیم، مقولات به‌دست‌آمده را نشان می‌دهد.

جدول ۲ - مفاهیم و مقولات مستخرج

مفاهیم	مقوله‌ها
برگزاری رسم عروسی در زادگاه، خاکسپاری فوت‌شده‌ها در شهرستان (زادگاه)، علاقه به رسوم محلی، رعایت حداکثری رسوم بومی، پایبندی به اجرای آیین‌های محلی	تأکید بر اجرای رسوم (عروسی و عزا) در زادگاه
برگزاری اندک جشن عروسی در تهران، تلاش در به‌جا آوردن رسوم بومی در تهران، گرفتن مسجد در تهران برای غایبان رسم تشیع، محدودیت برای عروسی در تهران، اجرای بهتر رسوم محلی در شهرستان، امتناع از تسلیت از راه دور (تلفن، پیامک و ...)، مناسب نبودن فضای تالارهای تهران برای اجرای عروسی به سبک محلی	محدودیت شرایط محیط جدید
برگزاری عروسی در تعطیلات نوروز، حضور کم مدعوین در عروسی تهران (مشکلات مالی و غیرمالی تردد برای حضور شهرستانی‌ها)، هزینه بالای عروسی در تهران	تسهیل مشارکت

اجبار سنت	حضور خویشاوندان و اقوام نزدیک در خاکسپاری، حضور غایبین آیین تشییع در مسجد، عرض تسلیت مستقیم و حضوری
تقویت همبستگی	همدردی با خانواده عزادار، همکاری داوطلبانه اطرافیان در عروسی و عزا، دادن «سویزانه» و «پرسونه»
جمع‌گرایی	حضور حداکثری در آیین‌ها، حمایت از همدیگر، نگرانی از مردن در غربت

۱- تأکید بر اجرای رسوم (عروسی و عزا) در زادگاه

هر گروه قومی و یا هر منطقه‌ای دارای تعدادی از آداب، رسوم و آیین‌های خاص فرهنگی است که موجب تمایز آنان از سایر اقوام و مناطق می‌شود و پایداری به آن‌ها از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هویت فرهنگی آنان به‌شمار می‌رود. مهاجرین لک با وجود دوری مسافت از زادگاه و مسائل مالی، مشغله‌های کاری و ... مراسم عروسی و فوت نزدیکان را در خاستگاه خویش برگزار می‌کنند و اگر در موارد اندکی عروسی در تهران باشد تا حد ممکن رسوم محلی مرتبط را به جای می‌آورند.

براساس گفته‌های شرکت‌کنندگان در تحقیق اکثر عروسی‌ها و تمام خاکسپاری‌های مهاجرین لک ساکن تهران، در شهرستان کوهدشت و مطابق با رسوم و آیین‌های محلی برگزار می‌شود. به نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان: «تقریباً همه جوانان رسم عروسی را در شهرستان برگزار می‌کنند ولی اگر کسی به دلیل خاصی اینجا عروسی کند در حد امکان رسوم بومی را بجا می‌آورد». مشارکت‌کننده دیگری چنین گفته است: «تا امروز در دو حالت عروسی در شهرستان کوهدشت برگزار نشده است: اول اینکه یکی از دو طرف به خصوص عروس، غیر لک و ساکن تهران باشد که چنین موردی در حد خیلی کم اتفاق افتاده است. دوم اینکه هم دختر و هم پسر لک باشند (هر دو یا یکی از آنان ساکن تهران)، ولی به دلیل فوت یکی از خویشاوندان جوان یا مهم، ممکن است بدون گرفتن جشن به ماه غسل بروند. در اکثر موارد دیگر، رسم عروسی در کوهدشت و مخصوصاً در تعطیلات نوروز برگزار می‌شود».

بیشتر مهاجرین از هر دو نسل علاقه نسبتاً زیادی به رسوم محلی مرتبط با عروسی دارند. شاید حال و هوای نوروز و تعطیلات آن بر این علاقه اثرگذار باشد. یکی از شرکت‌کنندگان در این باره چنین گفته است: «به نظرم یکی از بهترین رسوم ما لک‌ها، رسم عروسی است، لک‌های ساکن تهران تا جایی که امکان دارد عروسی را در کوهدشت برگزار می‌کنند فکر نمی‌کنم این رسوم در زمان کوتاهی فراموش بشوند. امیدوارم در آینده هم حفظ شوند». مشارکت‌کننده دیگری نیز چنین گفته است: «به نظرم برگزاری مراسم عروسی به سبک محلی در شهرستان بهتر است تا در تهران. حتی اگر رسوم محلی را در تالار تهران رعایت کنیم باز هم عروسی در شهرستان خوب است و به نظرم نباید در عروسی در کوهدشت زیاد ترانه فارسی خوانده شود طرف‌دار آهنگ‌های لکی، لری و کردی هستیم».

علاوه بر رسوم عروسی، آیین‌های مرتبط با عزای اقوام و خویشاوندان نیز در شهرستان کوهدشت اجرا می‌گردد. هرگاه یکی از مهاجرین فوت کند در شهرستان دفن می‌شود و تاکنون هم چنین بوده است. به‌عنوان مثال، یکی از شرکت‌کنندگان اشاره کرده که: «تا این تاریخ، همه فوت‌شدگان در شهرستان خاک شده‌اند. مراسم عزاداری بدون استئنا در شهرستان و مطابق با آیین‌های محلی برگزار شده ولی در تهران هم برای کسانی که نتوانسته‌اند در تشییع جنازه شرکت کنند، یک روز مسجد می‌گیرند».

۲- محدودیت شرایط محیط جدید

مشارکت‌کنندگان معتقدند که بهتر است روند برگزاری مراسم عروسی در شهرستان کوهدشت تداوم داشته باشد. از نظر آنان، اجرای رسوم عروسی در تالارهای تهران، فاقد آن مطلوبیت و جذابیتی است که در زادگاه دارد حتی اگر مطابق با رسوم محلی برگزار شود. در این ارتباط، یکی از شرکت‌کنندگان گفته است که: «مراسم عروسی بهتر است هم‌چنان در کوهدشت برگزار شود. البته مورد استئنا داشتیم که اینجا جشن گرفتند ولی طبق رسوم خودمان. در کوهدشت به راحتی می‌توانیم عروسی را با رسوم خودمان برگزار کنیم ولی در تهران محدودیت‌هایی وجود دارد».

همان‌طور که اشاره شد، نه‌تنها رسوم عروسی، بلکه آیین‌های مرتبط با عزای اقوام و خویشاوندان نیز در شهرستان کوهدشت اجرا می‌گردد. اگر کسی از مهاجرین لک ساکن محله نامجو فوت کند. حتماً در شهرستان دفن می‌شود و تاکنون هم برای بزرگسالان متولد کوهدشت و هم برای نوجوانان و جوانان متولد تهران، که در تهران فوت کرده‌اند چنین بوده است. یکی از مشارکت‌کنندگان چنین گفته است: «مراسم عزاداری هم تاکنون در شهرستان برگزار شده و در تهران فقط یک روز مسجد می‌گیرند. معتقدم برای تسلیت یا باید در مراسم خاکسپاری در شهرستان شرکت کرد و یا باید در تهران به مسجد برویم من تا حالا این‌طور بوده‌ام و مخالف تماس و پیامک و یا روش‌های دیگری عرض تسلیت هستم». مشارکت‌کننده دیگری هم عنوان کرده است: «هرکسی اینجا [تهران] فوت کند حتماً در شهرستان دفن می‌شود و تشییع جنازه هم در شهرستان است. اقوام و دوستان به شهرستان می‌روند ولی برای بعد از چند روز که به تهران بر می‌گردند مسجد می‌گیرند چون بعضی که فامیل دورتر بودند یا به هر دلیلی نتوانستند شهرستان بروند برای عرض تسلیت به مسجد می‌روند. اگر مسجد نگرفتن به خانه‌اش می‌روند».

آن‌طور که از مصاحبه‌ها برمی‌آید، با توجه به شناخت مهاجرین از هم و نیز پیوندهای خویشاوندی و طایفه‌ای آنان با هم، بر لزوم حضور در رسوم مرتبط با عزای افراد تأکید دارند و نسل اول با توجه به تجربه زیسته‌اش همچنان به رسوم مذکور پایبندی بیشتری دارند به طوری که با روش‌های نوین برای اظهار تسلیت از راه دور، مخالف‌اند. در این رابطه یکی از شرکت‌کنندگان معتقد است: «چند وقت پیش که در تشییع جنازه یکی از اقوام در شهرستان شرکت کردیم مداح از طرف صاحب‌عزا با بلندگو از همه حتی کسانی که از طریق پیامک و تلگرام تسلیت گفته بودند تشکر کرد من به مداح گفتیم مخالف به زبان آوردن کلماتی مثل تلگرام و ... هستم چون با تکرار این کلمات، به مرور جا می‌افتند و عادی می‌شود و نهایتاً به رسم و روال تبدیل می‌شوند».

بر اساس یافته‌هایی که از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان به‌دست آمده و نیز تجربیات محقق، یکی از عوامل حفظ ارتباطات خویشاوندی و طایفه‌ای، شرکت در آیین‌های مرتبط با عروسی و عزای اعضای طایفه است. در طایفه آدینه‌وند همانند بیشتر طوایف شهرستان کوهدشت نیز چنین امری صدق می‌کند به طوری که برای قطع ارتباط بین خانواده‌ها و یا تیره‌های درون طایفه از اصطلاح «پرس‌برون»^۲ استفاده می‌شود که به معنی عدم شرکت در رسوم فوت افراد است. اگر افرادی در عروسی و عزای اقوام حضور نداشته باشند معمولاً این پرسش در ذهن افراد ایجاد می‌شود که حتماً بین آنان و خانواده صاحب‌عزا کدورتی وجود دارد. هنگام فوت افراد، بزرگان طایفه و منتفذان محلی سعی می‌کنند با دعوت دیگران برای شرکت در مراسم، این کدورت‌ها را رفع کنند و عموماً در فوت افراد و به‌خصوص جوانان، به این دعوت پاسخ مثبت داده می‌شود ولی دربارۀ شرکت در جشن عروسی، ممکن است به دعوت و تقاضای بزرگان و منتفذان محلی از افراد و خانواده‌هایی که از هم دلخور هستند پاسخ منفی داده شود. به‌طور کلی، حس همبستگی و رفع کینه‌ها و کدورت‌ها عموماً در رسوم مرتبط با عزاداری رخ می‌دهد تا رسوم مرتبط با عروسی. از این‌رو، می‌توان بیان کرد که شرکت مهاجرین در آیین‌های پیرامون عروسی و عزا، ضمن کمک به حفظ و پایداری رسوم و آیین‌های مذکور، در تعلقات هویتی و برساخت هویت فرهنگی مهاجران اثرگذار است.

۳- تسهیل مشارکت

برخی از شرکت‌کنندگان به‌خصوص نسل دوم، ضمن قبول این نکته که برگزاری عروسی در شهرستان کوهدشت حال و هوای خوشایندی دارد که در تهران وجود ندارد، با وجود این، معتقدند که عوامل اقتصادی نقش زیادی در تعیین مکان عروسی و اجرای

۱ مهاجران ساکن محله نامجو-تهران از لحاظ تعلقات طایفه‌ای از طایفه آدینه‌وند هستند.

رسوم مرتبط با آن دارند. به نظر آنان، اجرای عروسی در تهران مستلزم صرف هزینه‌های بیشتری نسبت به اجرای آن در شهرستان است. همچنین، به علت مسافت زیاد تهران و کوهدشت و مشغولیت‌های کاری و امور دیگر، حضور مهمانان برای شرکت در جشن عروسی در هر کدام از این دو مکان سخت می‌شود به همین دلیل معمولاً جشن عروسی و رسوم مرتبط با آن در تعطیلات نوروز و گاه‌گاهی در تعطیلات چندروزه طی سال در شهرستان کوهدشت و مطابق با رسوم محلی برگزار می‌شود. در این زمینه یکی از مشارکت‌کنندگان گفته است: «بعضی عروسی‌ها در تهران برگزار می‌شوند و هزینه زیادی هم صرف می‌شود. به‌نظرم یک دلیل برگزاری عروسی در شهرستان، هزینه زیاد آن در صورت برگزاری در تهران است و دلیل دیگر اینکه نوروز همه جا تعطیل است و همه به زادگاه می‌آیند و در عروسی شرکت می‌کنند. در تهران شرکت‌کننده‌ها هم خیلی کم هستند کسی به راحتی برای شرکت در عروسی از شهرستان به تهران نمی‌آید. عروسی در تهران هم تا حدودی رسوم شهرستان را به جا می‌آورند مخصوصاً موسیقی و رقص محلی. البته برگزاری عروسی در فضای تالار در تهران آن جذابیت عروسی در فضای باز شهرستان را ندارد».

یکی دیگر از شرکت‌کنندگان درباره تعیین محل عروسی و دلایل مرتبط با آن چنین گفته است: «اینکه عروسی مهاجرین در تهران برگزار شود یا کوهدشت، بستگی به یک‌سری ملاک‌ها دارد مثلاً وقتی می‌گوییم رفتیم عروسی فلانی و او هم ما را به عروسی‌اش دعوت کرد یک نوع کمک متقابل هست چون این عامل مهم است پس خیلی از مهاجرین عروسی‌شان را در زادگاه برگزار می‌کنند تا دیگران ببینند و متقابلاً کمک کنند اگر این مورد مهم نباشد دوست دارم عروسی در تهران باشد. از طرفی دیگر بایستی توافق کامل بین عروس و داماد و خانواده دو طرف برای تعیین محل در نظر گرفته شود. به‌نظرم مهم‌ترین نکته در بحث محل عروسی، بحث مالی است چون برگزاری عروسی در تهران خیلی هزینه دارد که برای ماها خیلی سخت است. و در مرحله دوم رفت و آمد برای عروسی است من شخصاً معذبم کسی این همه راه را به خاطر عروسی بیاید. بحث سوم در ارتباط با رسومی است که ما داریم. رسوم محلی در تهران به راحتی قابل اجرا نیست».

مطابق بعضی از مصاحبه‌های انجام‌شده با شرکت‌کنندگان، یکی از دلایل مهم انتخاب شهرستان برای برگزاری رسم عروسی به‌خصوص در تعطیلات نوروز، تسهیل حضور شرکت‌کنندگان است. زیرا بیشتر مهاجرین در این موقع از سال، به زادگاه سفر می‌کنند و برای حضور در عروسی با مشکل مواجه نمی‌شوند. همچنین از دیگر دلایل تعیین شهرستان برای عروسی، وجود رسم هدایای نقدی و غیرنقدی مدعوین به خانواده تازه‌ازدواج کرده است؛ اگر عروسی در تهران و یا در ایامی غیر از تعطیلات در شهرستان برگزار شود، حضور مدعوین و به تبع آن کمک آنان کمتر خواهد بود. به دلیل متقابل بودن این هدایا و نیز حصول به آن، مهاجران همچنان تعطیلات نوروز را به‌عنوان زمان عروسی و زادگاه را به‌عنوان مکان عروسی انتخاب می‌کنند. بدیهی است که خانواده‌ها و به‌خصوص عروس و داماد با توجه به موارد بالا به‌ویژه توانایی مالی و چگونگی اجرای جشن، مکان و زمان آن را تعیین می‌کنند. بدین ترتیب همچنان اکثریت قاطع جشن‌های عروسی در زادگاه قومی برگزار می‌گردد هرچند که می‌توان گفت که با توجه به شرایط و مشغله‌های کاری والدین، تحصیل فرزندان، دوری مسافت و مشکلات تردد و ... در آینده ممکن است تعیین مکان آن مورد بازنگری قرار گیرد، امری که اگر رخ بدهد این احتمال هست که به دنبال آن، مهمانان کمتری از شهرستان به تهران بیایند. همچنین، بعضی از رسوم محلی در تهران نیز با توجه به شرایط و قواعد حاکم بر تالارها و سالن‌های عروسی و دیگر عوامل، ممکن است به تدریج فراموش شوند. بدین ترتیب از نقش آداب و رسوم در هویت‌یابی نسل‌های مهاجرین با یکدیگر و با هم‌تباران ساکن کوهدشت کاسته خواهد شد.

۴- اجبار سنت

بر مبنای نظرات مشارکت‌کنندگان تحقیق، مهاجرین و به‌ویژه نسل اول، اگرچه از ابعاد و کارکردهای مشارکت‌شان در رسومی که در

شهرستان برگزار می‌شود آگاهی دارند، اما در عین حال به بعضی از ابعاد آن با ابهام و ابراز نگرانی می‌نگرند. «تقریباً همه عروسی‌ها از قبل برنامه‌ریزی می‌شوند برای مثال در تعطیلات نوروز یا در بعضی موارد، در سایر مواقع سال. اقوام و مهمانان، به‌خصوص ما مهاجرین هم می‌توانیم به راحتی شرکت کنیم. ولی با توجه به اینکه فوت افراد ناگهانی است و ممکن است در هر لحظه اتفاق بیافتد حضور در مراسم خاکسپاری و عزاداری برای ما مهاجرین واقعاً سخت است. مورد داشتیم که صاحب‌کار به کارگر یا کارمندش که کوهدشتی بوده برای شرکت در تشیع جنازه اقوام نه چندان نزدیک مرخصی نداده و خودش بدون اجازه از تهران به شهرستان رفته که در نهایت منجر به اخراج آن شخص شده است. واقعاً با توجه به مشغله‌ها و مسافت دور، لزومی ندارد که فی‌الغور برویم شهرستان. در غیر این صورت، بی‌اندازه گله و شکایت و ... متوجه ما می‌شود».

چنانچه از مصاحبه فوق برمی‌آید مشکلات تردد بین تهران و کوهدشت و نیز مشغولیت‌های کاری و ... یکی از نگرانی‌های مهاجرین برای شرکت در آداب و رسوم است که در زادگاه قومی آنان برگزار می‌گردد. این نگرانی بیشتر درباره شرکت در رسوم عزا وجود دارد تا رسوم جشن و عروسی. زیرا همان‌طور که گفته شد بیشتر جشن‌های عروسی در تعطیلات نوروز و اطلاع‌رسانی از پیش برگزار می‌شوند. یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان ضمن تصدیق مطلب فوق چنین گفته است: «ما مهاجرین این را می‌دانیم که عرض تسلیت بهتر است که حضوری باشد زنگ زدن خوب نیست. تسلیت حضوری هم نشانه احترام است و هم برای رفیق و فامیل نزدیک واجب است. با این حال، درباره «پرس» (عزا) مخالف برگزاری آن در شهرستان هستم چون راه دوری است تا کوهدشت هزار اتفاق ممکن است پیش بیاید و هزینه زیادی روی دست مردم می‌گذارد». مشارکت‌کننده دیگری در این باره هم گفته است: «به‌نظرم اگر بتوانیم بهتر است تا یک هفته بعد از فوت، حضوری تسلیت بگوییم. اگر نه در تهران به مسجد برویم و پس از آن هر وقت شرایط اجازه داد در فرصت مناسب که برای انجام چندکار به شهرستان می‌رویم حضوری به خانه متوفی برویم».

به دنبال آگاهی مهاجران از مسائل و مشکلاتی که برای شرکت در رسوم عزا بیان شد حضور در رسوم برای آنان به‌عنوان یک ضرورت به شمار می‌رود. می‌توان گفت که با گذشت زمان و جایگزینی نسل‌ها این مشکلات مورد بازنگری بیشتر قرار گیرند اگرچه امروزه هم گرفتن مسجد برای کسانی که در رسم عزا در شهرستان شرکت نکرده‌اند نشانه‌ای از بازنگری مهاجرین پیرامون پایبندی به رسوم سنتی است. در اینجاست که نگاه و درک دوگانه به شرکت در آیین سنتی فوت افراد هم به‌عنوان پدیده‌ای مثبت در همگرایی فرهنگی مهاجرین با هم و با زادگاه و هم نگران‌کننده برای گسست از تعلقات هویت محلی-قومی خود را نشان می‌دهد.

۵- تقویت همبستگی

مهاجرین قوم لک، معتقدند که اگرچه برگزاری و شرکت در رسوم سوگ و سوگ به‌ویژه شرکت در آیین عزای خویشاوندان در شهرستان کوهدشت با توجه به مشغله‌های زندگی، دوری مسافت و ... بعضی مواقع برای آنان میسر نمی‌باشد اما از نقش این رسوم در حفظ روابط بین خویشاوندان دور و نزدیک آگاهی دارند که در نهایت موجب پایداری همبستگی بین آنان می‌گردد. «وقتی برای شرکت در خاکسپاری و عزای یکی از اقوام و آشنایان از تهران به کوهدشت می‌رویم خودبخود این حس در خانواده متوفی ایجاد می‌شود که آنان تنها نیستند. شما دقت کنید تمام امور دفن و کفن اموات و ... توسط اطرافیان بدون دریافت پول انجام می‌شود و به‌نوعی می‌توان گفت که گرداندن مراسم برعهده آنان است. چون معمولاً خانواده متوفی در شرایطی نیستند که همه کارها و امور را انجام دهند. یا پرداخت مبلغی با عنوان «پرسونه» جهت جبران بخشی از هزینه‌ها به‌خصوص هزینه پخت غذا برای افرادی که از نقاط دور آمده‌اند، در چنین شرایطی افراد بیشتر به هم نزدیک می‌شوند و همبستگی قومی و طایفه‌ای و ... بیشتر خودش را نشان می‌دهد».

در کوهدشت بر طبق یک رسم قدیمی، کمک‌های جنسی در زمان‌های گذشته و حدود نیم قرن پیش، وجوه نقدی تحت عنوان

«سویرانه»^۱ به قصد کمک به عروس و داماد و «پرسونه»^۲ به‌عنوان کمک به خانواده صاحب‌عزا داده می‌شود در اینجا است که این رسوم و سنت‌ها و روش‌های اجرای آن‌ها، به‌عنوان یکی از بهترین نموده‌های همبستگی جلوه‌گر می‌شود. انجام مراسم سور و سوگ در زادگاه قومی و به سبک محلی با وجود بعضی مشکلات، با مجموعه‌ای از آداب و رسوم همراه است که به‌طور کلی موجب تحکیم روابط اجتماعی و فرهنگی بین مردم اعم از مهاجرین و ساکنین محل می‌شود. بنابراین، باور به این رسوم و پایبندی به آن‌ها، در تعلقات هویتی و هویت‌یابی مهاجران با هم و با ساکنان قومی نقش مهمی ایفا می‌کند.

۶- جمع‌گرایی

آیین‌ها، رسوم و آداب مشترک همواره به‌عنوان یکی از گام‌های اساسی برای تفاهم و انسجام میان اعضای یک قوم و اجتماع قومی مورد نظر بوده است. آیین‌های مشترک، مانند جشن‌ها و اعیاد و عزاداری‌ها نقش بسزایی شکل‌گیری وفاق جمعی گروه‌های قومی و حتی ملت‌ها دارد و از تفرد و تضعیف بنیان فرهنگی و اجتماعی آنان جلوگیری می‌کند. اعتقاد و پایبندی به آداب و رسوم در روندی ساخت هویت فرهنگی اقوام و از جمله گروه‌های قومی-فرهنگی اقلیت و تحکیم بنیان‌های هویت آنان نقش دارد. در این زمینه یکی از شرکت‌کنندگان گفته است: «اینکه تقریباً کل یک طایفه یا حتی افراد خارج از طایفه در عروسی و عزا شرکت می‌کنیم نشان می‌دهد که با وجود مسائل مختلف، همچنان می‌توانیم به حمایت همدیگر امید داشته باشیم و آدم احساس تنهایی نمی‌کند. برای من خیلی جالب و خوشایند است که در رسم عروسی و به‌خصوص در عزای افراد، همه کمک می‌کنند».

تقریباً تمام امور آیین عزاداری و بیشتر امور رسم عروسی را گروه‌های نوجوانان و جوانان ۱۵ تا ۴۰ سال برعهده می‌گیرند و ناگفته پیداست که انجام این کمک‌ها به‌صورت متقابل است و البته گهگاهی بزرگ‌ترها از نسل جوان به خاطر سپردن بعضی امور مثل آشپزی مراسم به گروه آشپزی متخصص، گله‌مند هستند. همکاری متقابل در آیین خاکسپاری و عزای افراد بیشتر نمود دارد. یکی از شرکت‌کنندگان معتقد است: «در باره عزاداری بر این باورم که اگر هم‌روستایی آدم چه جوان چه پیر فوت کرد در صورت امکان باید برای تسلیت به زادگاه برویم. حضور ما مرحوم کوچکی است بر دل خانواده صاحب‌عزا. اینجا [تهران] همسایه دیوار به دیوار ما صبح فوت کرده بود تا شب ما خبردار نشدیم. من و خانمم از این قضیه (مردن در غربت و بی‌کسی) خیلی ناراحت شدیم. من یکی از آرزوهایم و در واقع دعا می‌کنم که خدایا هر وقت فوت کردم در زادگاه خودم فوت کنم».

براساس مصاحبه‌های انجام‌شده با شرکت‌کنندگان، شرکت و کمک به برگزاری رسوم محلی برای آنان امری مطلوب محسوب می‌شود. مردن در تنهایی و غربت و یا حضور کم در خاکسپاری افراد یک امر نگران‌کننده برای آنان است تا جایی که برخی از بزرگ‌ترها از نداشتن دختر و یا خواهر ابراز ناخرسندی می‌کنند چرا که به قول خودشان در هنگام مردن کسی نیست که برای آنان «مویه» کند. همه موارد فوق نشان‌دهنده این است که همچنان روحیه جمعی در مشارکت و همکاری متقابل اعضای طوایف کوه‌دشت من جمله طایفه آدینه‌وند نمود دارد به همین دلیل مهاجران با وجود سکونت در مکانی جدید، حس تعلق خود به زادگاه و مشارکت در رسوم حاکم بر آن را زنده نگاه داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر با هدف مطالعه‌ی وضعیت هویت فرهنگی مهاجران لک ساکن محله‌ی نامجو تهران با تأکید بر مؤلفه‌ی آداب و رسوم سوگ و سو انجام شده است. براساس یافته‌ها، از دید مشارکت‌کنندگان، فرهنگ زادگاه قومی آنان با فرهنگ جامعه میزبان متفاوت است. با توجه به سنتی بودن، یکسانی و همانندی فرهنگی-قومی زادگاه، چالش هویتی و یا فرهنگ‌پذیری برای آنان پیش از مهاجرت چندان مطرح نبوده است و صرفاً تفاوت‌های اندکی بین نسل والدین و نسل فرزندان در زمینه انتخاب عناصر هویتی وجود داشته است. در واقع، با مهاجرت و تغییر مکان ابهامات، تردیدها، پرسش‌ها و انتخاب‌هایی در مسیر هویت‌یابی و تعلق به فرهنگ موروثی و یا فرهنگ جامعه میزبان برای آنان پیش آمده است. آنان به‌عنوان کنشگران اجتماعی در موقعیت‌های متعددی ناچار به بازاندیشی و بازتعریف مؤلفه‌ها و منابع سنتی هویت‌ساز خویش‌اند. علاوه بر تفاوت فرهنگی جامعه مبدأ و میزبان، تفاوت مکان جامعه-پذیری اولیه بین نسل اول و دوم مهاجرین نیز پرسش و تفکر درباره تعلقات فرهنگی- قومی و هویت‌یابی را بیش از پیش مطرح می‌کند. یافته اخیر با مطالعه‌ی باقری و غفاری‌نسب (۱۴۰۰) در بین تحقیقات داخلی و پژوهش هولوباس (۲۰۲۲) از بین مطالعات خارجی مطابقت دارد.

از دید مشارکت‌کنندگان، با وجود تمایل برای بازاندیشی و بازتعریف عناصر هویت‌بخش، اراده و تمایل برای همانندی با فرهنگ غالب و همچنین متمایز ساختن خویش و به‌کارگیری بعضی عناصر فرهنگی به مثابه ممیز هویت در بین آنان وجود داشته و دارد ولی چگونگی این موارد تحت تأثیر شرایط و عوامل مختلفی است. آنان در موارد متعددی در این باره تأمل کرده‌اند که به رسوم و آیین‌های سنتی- محلی خود پایبند باشند یا مطابق با شرایط جدید رسوم مرتبط با عروسی و عزا را اجرا کنند. مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که شرکت در مراسم سوگ و سو، همبستگی و انسجام در بین مهاجرین و نیز لک‌های ساکن زادگاه قومی را تداوم می‌بخشد ولی به دلیل مشغله‌ها و مشکلات تردد بین تهران و شهرستان در این زمینه نگرانی‌هایی دارند.

تحلیل داده‌های به‌دست آمده از میدان پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از مشارکت‌کنندگان معتقدند که مهاجرین لک با وجود دوری از زادگاه و مسائل مالی، مشغله‌های کاری و ...، بهتر است مراسم عروسی و فوت نزدیکان را در خاستگاه خویش و مطابق با رسوم و آیین‌های محلی برگزار کنند. براساس تجارب مشارکت‌کنندگان از هر دو نسل، آنان علاقه نسبتاً زیادی به رسوم محلی مرتبط با عروسی دارند. از دید آنان، شرکت در آیین‌ها و رسوم محلی مرتبط با عروسی و عزای اعضای طایفه، یکی از عوامل حفظ ارتباطات خویشاوندی و طایفه‌ای است و ضمن کمک به تداوم رسوم و آیین‌های مذکور، در تعلقات هویتی و برساخت هویت فرهنگی آنان نقش مهمی دارد. جمع‌گرایی، تقویت همبستگی با اقوام و خویشاوندان دور و نزدیک و احترام به سنت‌ها و به‌طور کلی انسجام‌بخشی فرهنگ از آثار شرکت در رسوم است. از مجموع، مفاهیم و مؤلفه‌های اخیر با اندکی اغماض می‌توان گفت که مهاجرین به رسوم محلی در راستای نگهداشت فرهنگ پایبند می‌باشند. چنین به نظر می‌رسد که مشارکت‌کنندگان با این اقدامات می‌خواهند که در برابر جریان‌های غالب و همگون‌ساز مقاومت کنند و نوعی جدایی‌گزینی فرهنگی را در پیش بگیرند. در جدایی‌گزینی فرهنگی که یکی از استراتژی‌های فرهنگ‌پذیری است، هویت‌یابی عمدتاً با گروه و فرهنگ خودی است. در واقع، جدایی‌گزینی، نگهداشت فرهنگ اصلی مهاجر و کمبود ارتباط با جامعه میزبان است. فرد مهاجر به فرهنگ خودی علاقه‌مند است اما به فرهنگ جامعه میزبان توجهی ندارد. در راستای استراتژی مذکور، مشارکت‌کنندگان بر حفظ تعامل‌های خود با لک‌های ساکن محله نامجو تأکید دارند. مهاجرین معتقد به این رویکرد، بیشتر بر مؤلفه‌های هویتی خود تأکید دارند و با این کار در صدد برجسته‌سازی تمایزات هویتی خود از دیگران هستند و کمتر بر شباهت‌های هویتی خود با سایرین تأکید می‌کنند. این افراد از سایر لک‌های مهاجر نیز انتظار دارند که به مؤلفه‌ها و منابع هویت‌ساز محلی خود پایبند باشند. آنان سعی می‌کنند که از ویژگی‌های گوناگون به‌عنوان ابزاری برای متمایز ساختن گروه خویش

استفاده کنند و همانطور که گیدنز (۱۳۸۹: ۳۵۹ و ۳۶۲) معتقد است اعضای گروه‌های قومی خود را از نظر فرهنگی متمایز از سایر گروه‌های جامعه می‌دانند و سایر گروه‌های اجتماعی نیز به همین چشم به آنان نگاه می‌کنند. ویژگی‌های مختلفی می‌تواند برای تمایز گروه‌های قومی از یکدیگر مورد استفاده قرار گیرد. تأکید بر تمایزات به معنای فقدان تشابه با جامعه کلان و یا سایر گروه‌های قومی و فرهنگی نیست و به قول بارت (۱۹۹۸: ۱۴) گروه‌های قومی ممکن است در تعدادی از جنبه‌های فرهنگی مشابه دیگر گروه‌های قومی باشند، اما به‌طور انتخابی با تأکید و برجسته‌سازی ویژگی‌های فرهنگی کوچک به‌عنوان «نمادها و نشانه‌های تفاوت»، خود را متمایز می‌کنند. مهاجران عمیقاً خود را به‌عنوان لک می‌شناسند و به قول گانس (۱۹۷۹) پس از مهاجرت، به‌سادگی احساس هویت قومی و تعلق خود را از دست نداده و حتی در صورت رها کردن سنت‌ها و زبان‌ها، آنان حس هویت‌یابی با گروه قومی خود را حفظ می‌کنند؛ پدیده‌ای که «قومیت نمادین» نامیده می‌شود.

مشارکت‌کنندگان تحقیق از نقش آداب و رسوم در هویت‌یابی نسل‌های مهاجرین با یکدیگر و با هم‌تباران ساکن کوه‌دشت آگاهی کافی دارند. با توجه به بعضی از مشکلات ذکرشده برای حضور در رسوم محلی در زادگاه قومی، ممکن است این آیین‌های سنتی با گذشت زمان و جایگزینی نسل‌ها به شیوه دیگری نیز مورد بازنگری و تغییر قرار بگیرند. برای مثال، امروزه گرفتن مسجد برای کسانی که در رسم عزا در شهرستان شرکت نکرده‌اند نشانه‌ای از بازنگری مهاجرین پیرامون پایبندی به رسوم سنتی است. در اینجا است که نگاه و درک دوگانه به شرکت در آیین سنتی فوت افراد هم به‌عنوان پدیده‌ای مثبت در همگرایی فرهنگی مهاجرین با هم و با زادگاه، و هم نگران‌کننده برای گسست از بعضی تعلقات هویت محلی-قومی خود را نشان می‌دهد. آنچه که مسلم است هویت سنتی مهاجرین و منابع آن در جامعه میزبان به نفوذ و قوت پیش از مهاجرت باقی نمانده است. این موضوع بخش مهمی از هویت‌یابی و فرهنگ‌پذیری را به عهده فرد گذاشته است و تفاوت‌های فردی و شاید تفاوت نسلی را در شکل‌دهی به هویت برجسته کرده است.

براساس یافته‌های پژوهش، فرایند بازاندیشی الزاماً و در همه زمان‌ها به معنی گرایش به فرهنگ غالب و همانندی با آن نیست بلکه می‌تواند به بازسازی مؤلفه‌های فرهنگی هویت‌بخش موروثی و یا پایبندی به آن‌ها باشد. فرایند فرهنگ‌پذیری مهاجرین (دست‌کم دو نسل فعلی) در جامعه میزبان به گونه‌ای رخ داده است که به‌سادگی نمی‌توان آن را مطابق با استراتژی‌های فرهنگ‌پذیری مرسوم تحلیل نمود. مهاجرت آنان از محیطی با فرهنگ سنتی به مکانی با فرهنگی متفاوت، شکل‌گیری دوفرهنگی و یا هویت ترکیبی طی دو نسل را سخت کرده است؛ از یک طرف نسل اول به فرهنگ سنتی و مؤلفه‌های هویت‌ساز آن پایبندی زیادی دارد و این پایبندی را نشانه اصالت و هویت خود می‌داند ولی از طرف دیگر، آنان به‌عنوان کنشگران اجتماعی برای برقراری تعامل با محیط جدید نیازمند بازنگری و بازسازی جنبه‌هایی از فرهنگ موروثی خویش‌اند. علاوه بر این، تجربه زیسته متفاوت نسل دوم (فرزندان) نیز بر پیچیدگی تحلیل فرهنگ‌پذیری مهاجرین افزوده است. بنابراین اگر چه ممکن است نسل‌های آینده مهاجرین به گونه‌ای هویت ترکیبی یا همانندی فرهنگی معتقد باشند ولی دست‌کم در حال حاضر درباره مهاجرین لک چنین روند و استراتژی‌ای صدق نمی‌کند.

در مجموع، می‌توان گفت آداب و رسوم نقش مهمی در برساختن و بیان هویت‌های فرهنگی مهاجرین دارد. به‌طور خاص، رسوم و آیین‌های محلی سوگ و سوور به‌عنوان یک منبع فرهنگی می‌تواند هویت‌یابی و جای‌گیری مجدد مهاجرین لک به‌عنوان گروه اقلیت مهاجر در محیط جدید نقش مهمی ایفا کند و مانند پلی به شکلی نمادین مهاجرین را به هم و به زادگاه مرتبط سازد. علاوه بر این، بازاندیشی، تعهد و پایبندی به مؤلفه‌های هویت فرهنگی در بین مهاجرین یکسان نیست و نمی‌توان نوعی ترکیب برابر را در میان افراد یک نسل یا بین دو نسل مشاهده کرد. هویت محلی-فرامحلی در میان نسل دوم غالب است تا در میان نسل اول. با اینکه در موارد متعددی ممکن است هویت فرهنگی محلی نسل دوم کم‌رنگ شود و چندان علاقه‌مند و پایبند به بعضی رسوم و سنن محلی

نباشند و آگاهی چندانی از هویت لکی نداشته باشند؛ با وجود این، احساس لک بودن را دارند و در مجموع، هویت لکی مفهومی است که به آن تعلق و دلبستگی عاطفی دارند. گفتنی است که فرایند تداوم و بازاندیشی در هویت فرهنگی مهاجرین، علاوه بر تجربه‌ی زیسته متفاوت دو نسل، به نگرش جامعه میزبان به مهاجرین نیز بستگی زیادی دارد.

محدودیت‌های پژوهش

در فرایند انجام پژوهش حاضر همانند بسیاری از دیگر پژوهش‌های اجتماعی، محدودیت‌ها و مشکلاتی وجود داشته است که روند انجام کار را تحت تأثیر قرار دادند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- کمبود پژوهش انجام‌شده‌ی که تشابه و ارتباط زیادی به‌ویژه از نظر روش و میدان مورد مطالعه با تحقیق حاضر داشته باشد تا بتواند به عنوان الگوی مرتبط مورد استفاده قرار بگیرد.
- ۲- دسترسی مداوم به میدان مطالعه، چگونگی تردد و اسکان به علت دوری مسافت از میدان تحقیق و ... بر شکل ارتباط محققین با مهاجرین اثرگذار بوده به طوری که در بعضی موارد، مشارکت‌کننده‌ها برای تعیین مکان و زمان دقیق اجرای مصاحبه‌ی مجدد به سادگی راضی نمی‌شدند. با این حال از مصاحبه‌های تلفنی نیز استفاده شده است.
- ۳- با توجه به اینکه قومیت یکی از محققین پژوهش، با قومیت مشارکت‌کنندگان یکسان بوده و دارای تجربه‌ی زیسته در میدان مورد مطالعه بوده؛ لذا این احتمال وجود داشت که موارد مذکور بر گردآوری و تحلیل داده‌ها تأثیر بگذارد. با این حال سعی بر این بوده که این تأثیر را به حداقل رسانده شود.

پیشنهاد‌های پژوهش

بر مبنای یافته‌ها و نتایج تحقیق حاضر، چند پیشنهاد علمی و عملی متناسب با زمینه پژوهش و ظرفیت‌های موجود، به شرح زیر ارائه می‌شود:

- ۱- از آنجا که تحقیق حاضر صرفاً درباره‌ی وضعیت هویت فرهنگی مهاجرین قوم لک با تأکید بر آداب و رسوم انجام شده است و نتایج آن هم متناسب با همین وضعیت است، لذا پژوهش حاضر تنها گام نخست را در این زمینه برداشته است و پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابهی درباره‌ی مهاجرین قوم لک و سایر اقوام انجام شود تا دقت و پرورش مفاهیم با پشتوانه‌ی تحقیقی غنی شکل بگیرد و به نتایج نظری ظریف‌تر و مفصل‌تری ختم شوند.
- ۲- پیشنهاد می‌شود پژوهش مقایسه‌ای بازاندیشی و تغییرات در وضعیت هویت فرهنگی مهاجران در بین نسل اول و دوم مهاجران لک با نسل‌های آینده نیز انجام شود.
- ۳- پیشنهاد می‌شود پژوهش مقایسه‌ای درباره‌ی وضعیت هویت‌یابی از طریق مؤلفه‌ی پایبندی به آداب و رسوم ساکن سایر مناطق و شهرستان‌های استان تهران و نیز با مردمان لک ساکن جغرافیای قوم لک انجام بگیرد.
- ۴- از آنجا که نابرابری در توزیع و تخصیص منابع و ثروت نقش عمده‌ای در محرومیت و به تبع آن در مهاجرت گسترده‌ی فقرا و بیکاران استان لرستان و به‌ویژه شهرستان کوه‌دشت به تهران و مسائل اجتماعی و اقتصادی متعاقب آن دارد؛ پیشنهاد می‌شود سیاست‌هایی برای کاهش نابرابری‌ها و توزیع برابر امکانات به‌وسیله‌ی تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران مربوط در مرکز توجه و اولویت قرار بگیرد.

منابع

- باقری، رحمان و غفاری‌نسب، اسفندیار (۱۴۰۰)، مطالعه‌ی جامعه‌شناختی هویت فرهنگی مهاجران لک مقیم تهران (با تأکید بر مؤلفه‌ی زبان)، فصلنامه‌ی جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۱، ۲۵-۱.
- باقری، رحمان؛ غفاری‌نسب، اسفندیار؛ احمدی، حبیب و عباسی شوازی، محمدتقی (۱۳۹۹). مطالعه‌ی جامعه‌شناختی هویت زبانی مهاجرین قوم لک ساکن تهران، فصلنامه‌ی زبان‌شناسی اجتماعی، ۲، ۵۹-۴۹.
- باقری، رحمان و غفاری‌نسب (۱۳۹۹)، بازاندیشی و هویت فرهنگی مهاجرین قوم لک (مورد مطالعه: مهاجرین ساکن محله‌ی نامجو تهران)، رساله‌ی دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- بنت، اندی (۱۳۹۳). فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه لیلیا جوافشانی و حسن چاوشیان. چاپ دوم، تهران: نشر اختران.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، ترجمه‌ی تورج یاراحمدی. تهران: نشر شیرازه.
- رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۳). تأملی در باب هویت زنانه (اهمیت منابع فرهنگی و مادی در بازتعریف هویت اجتماعی زنان). رساله‌ی دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۴). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ: پایان هزاره (جلد ۳). ترجمه‌ی حسن چاوشیان. تهران: طرح نو.
- کل محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی‌شدن و هویت فرهنگی، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی و کارن بردسال (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- محمدپور، احمد، و حسن‌پور، تافگه (۱۳۹۱). جهانی‌شدن و بازنمایی هویت فرهنگی در موسیقی کردی؛ بررسی الگوهای مصرف موسیقی دانشجویان کرد دانشگاه گیلان، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۲، ۱۱۶-۸۹.
- محمدی، آوات (۱۳۹۵). مهاجرت و بازاندیشی هویت کردهای ایرانی مقیم آلمان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه رازی کرمانشاه.
- نساج، حمید (۱۳۸۸)، جهانی‌شدن و هویت اقوام ایرانی با تأکید بر مؤلفه‌های زبان و آداب و رسوم، دوفصلنامه پژوهش سیاست نظری، ۵، ۱۵۶-۱۲۹.
- نوروزی، حسین (۱۳۹۴)، تبیین مؤلفه‌های هویت فرهنگی قوم ترکمن، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، ۴۲ و ۴۳، ۴۸-۲۹.
- Barth, F. (1998). Ethnic groups and boundaries: The social organization of culture difference. Waveland Press.
- Berry, J. W. (1997). Immigration, acculturation, and adaptation. *Applied psychology*, 46(1), 5-34.
- Bochner, S. (Ed.). (2013). *Cultures in contact: Studies in cross-cultural interaction* (Vol. 1). Elsevier.
- Calabrese, A. (2000). Why localism? Communication technology and the shifting scales of political community. In *Communication and community* (pp. 251-270). Routledge.
- Chaffee, D. (2012). Reflexive identities. In *Routledge Handbook of Identity Studies* (pp. 122-133). Routledge.
- Ebaugh, H. R., & Curry, M. (2000). Fictive kin as social capital in new immigrant communities. *Sociological Perspectives*, 43(2), 189-209.
- Gans, H. J. (1979). Symbolic ethnicity: The future of ethnic groups and cultures in America. *Ethnic and racial studies*, 2(1), 1-20.
- Giddens, A. (1991). *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*, Cambridge: Polity Press.
- Grisaru, N., Witztum, E., & Malkinson, R. (2008). Bereavement customs, grief and rituals among Ethiopian immigrants to Israel. *Illness, Crisis & Loss*, 16(2), 111-123.
- Hacking, I., & Hacking, J. (1999). *The social construction of what?* Harvard university press.
- Hall, S. (1996). *Who needs "identity"?* Intro. to *Questions of cultural identity*, ed. Stuart Hall and Paul du Gay.
- Hulubaş, A. (2022). Self-perception through customs among Romanian immigrants. *Cambio. Rivista sulle Trasformazioni Sociali*, 11 (22), 51-61.

- Hutnik, N. (1991). *Ethnic minority identity: A social psychological perspective*. Clarendon Press/Oxford University Press.
- Jameson, D. A. (2007). Reconceptualizing cultural identity and its role in intercultural business communication. *The Journal of Business Communication* (1973), 44(3), 199-235.
- Mathews, G. (2002). *Global culture/individual identity: Searching for home in the cultural supermarket*. London: Routledge.
- Moran, A. (2011). Identity, race and ethnicity. *Routledge Handbook of Identity Studies. London and New York: Routledge*, 170-185.
- Phinney, J. S., Horenczyk, G., Liebkind, K., & Vedder, P. (2001). Ethnic identity, immigration, and well-being: An interactional perspective. *Journal of social issues*, 57(3), 493-510.
- Sharaby, R. (2019). Preserving the boundaries of an immigrants' ethnic tradition via a ritual system. *Journal of Ritual Studies*, 31-49.
- Sharaby, R. (2017). Significance of prenuptial rituals as ethnic definitional ceremonies among immigrants. *Advances in Anthropology*, 7(02), 55-78.
- Tajfel, H. (1978). *Social Categorization, Social Identity, and Social Comparisons*. In: Henri Tajfel, red., *Differentiation Between Social Groups*. London: Academic Press.
- Thomas, J., & Harden, A. (2008). Methods for the thematic synthesis of qualitative research in systematic reviews. *BMC medical research methodology*, 8(1), 1-10.
- Verkuyten, M. (2005). *The social psychology of ethnic identity*. London: Routledge.